

A Jurisprudential Study of the Character Profile in the Islamic Judicial System

Vahid Ghorbani¹, Abolfazl Mohammadzadeh Aghaei²

1 . 1Professor of High-Level Studies at the Qom Seminary; PhD Candidate in Islamic Revolution, University of Islamic Studies, Qom, Iran (Corresponding Author). ghorbanivahid110@gmail.com

2 . 2Bachelor of Laws Graduate, University of Judicial Sciences, Tehran, Iran. jujama2000@gmail.com

Abstract

The “Character Profile,” sometimes referred to as the “Defendant’s Psychological Status Report,” is compiled to identify the personality dimensions and the individual, familial, and social circumstances of the accused, thereby providing the judge with a more comprehensive overview of the defendant’s situation. The primary research question of this study is to examine the jurisprudential status of the character profile within the Islamic judicial system. The research findings indicate that, based on jurisprudential rules and within the Islamic judicial system, the “character profile” does not exist as an independent legal category in classical jurisprudential texts. However, in the realm of *Ta’zīrāt* (discretionary punishments), and based on the jurisprudential principle of “*al-Ta’zīr bi-mā yarāhu al-hākim*” (discretionary punishment as deemed appropriate by the judge)—which grants the judge authority over the type and severity of the penalty—the compilation of such a profile is considered essential. Conversely, in crimes necessitating *hudūd* (fixed punishments) and *qiṣās* (retribution), which possess fixed legal rulings, the role of the character profile is less prominent, although it may influence the judge by creating doubts regarding the fulfillment of the elements of the crime or by introducing *shubahāt* (legal ambiguities or doubts) regarding its application. Furthermore,

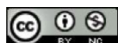
Cite this article: Ghorbani, Vahid, Mohammadzadeh Aghaei, Abolfazl, M.B. (2025). A Jurisprudential Study of the Character Profile in the Islamic Judicial System. *Journal of Social Jurisprudence researchs*, 1(2): p. 81-104.

Received: 2026/01/08 ; **Revised:** 2026/02/15 ; **Accepted:** 2026/02/23 ; **Published online:** 2026/03/20

© The Author(s).

Article Type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



<https://jsj.bou.ac.ir/>

in crimes resulting in *diya* (blood money), given the civil nature of this penalty, the introduction of a character profile must be approached with caution to ensure it does not deviate from the primary objective of *diya*, which is the compensation of damages. This research employs an *ijtihad*-based analytical method, conducted through an investigation of authoritative jurisprudential sources and an examination of evidence, jurisprudential opinions, and deductive texts. The results were obtained through rule-based inferential analysis. Addressing the existing gap in jurisprudential literature, this study endeavors to provide a more comprehensive analysis of the jurisprudential role of the character profile.

Keywords: Character Profile, Islamic Judicial System, *Ta'zīrāt* (discretionary punishments), *hudūd* (fixed punishments), *qiṣāṣ* (retribution), *diya* (blood money), Jurisprudential Principle.



بررسی فقهی پرونده شخصیت در سیستم قضایی اسلام

وحید قربانی^۱، ابوالفضل محمدزاده آقایی^۲

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

ghorbanivahid110@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی حقوق، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران. jujama2000@gmail.com

چکیده

«پرونده شخصیت» که گاه با عنوان «پرونده وضعیت روحی متهم» نیز از آن یاد می‌شود، با هدف شناخت ابعاد شخصیتی و شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی متهم تشکیل می‌گردد تا قاضی با بررسی آن، اشراف بیشتری از وضعیت متهم پیدا کند. پرسش اصلی این پژوهش، بررسی فقهی جایگاه پرونده شخصیت در نظام قضایی اسلام است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بر اساس قواعد فقهی و در سیستم قضایی اسلام، پرونده شخصیت عنوان مستقلی در متون فقهی ما ندارد؛ با این حال، در حوزه تعزیرات و بر اساس قاعده فقهی «التعزیر بما یراهُ الحاکم» که نوع و میزان مجازات را به اختیار حاکم واگذار می‌کند، تشکیل این پرونده امری ضروری تلقی می‌شود. در مقابل، در جرایم مستوجب حدود و قصاص که احکام ثابتی دارند، نقش پرونده شخصیت کم‌رنگ‌تر است؛ هرچند ممکن است در ایجاد تردید درباره تحقق ارکان جرم و ایجاد شبهات مصداقیه برای قاضی پرونده مؤثر

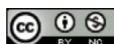
استناد به این مقاله: قربانی، وحید، محمدزاده آقایی، ابوالفضل (۱۴۰۴). بررسی فقهی پرونده شخصیت در سیستم قضایی اسلام. پژوهش‌های فقه اجتماعی، (۲)، ص ۱۵۴-۸۱.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۴/۰۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



<https://jsj.bou.ac.ir/>

باشد. همچنین در جرایم منتهی به دیه، با توجه به ماهیت مدنی این مجازات، ورود پرونده شخصیت باید با احتیاط انجام گیرد تا از هدف اصلی دیه یعنی جبران خسارت، فاصله نگیرد. روش تحقیق در این پژوهش، اجتهادی - تحلیلی است که با تتبع در منابع معتبر فقهی و بررسی ادله، اقوال فقیهان و متون استدلالی فقهی انجام شده و با تحلیل استنباطی مبتنی بر قواعد، نتایج پژوهش به دست آمده است. این پژوهش با توجه به خلأ موجود در ادبیات فقهی، می‌کوشد به تحلیل جامع‌تری از نقش فقهی پرونده شخصیت بپردازد.

کلیدواژه‌ها: پرونده شخصیت، نظام قضایی اسلام، تعزیرات، حدود، قصاص، دیه، قاعده فقهی.



مقدمه

«پرونده شخصیت» به مثابه مقدمه ضروری اصلاح مجرمان، پرونده‌ای است که اظهارنظر متخصصان روان‌شناسی، روان‌پزشکی، روان‌کاوی و مددکاری اجتماعی پیرامون شخصیت بزهکار را دربر دارد تا دست‌اندرکاران عدالت کیفری از طریق توسل به محتویات آن، اقدام به تطبیق مجازات با شخصیت بزهکار نمایند. تشکیل پرونده شخصیت در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شمسی، ضمن مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ به صراحت برای بزرگسالان و اطفال پیش‌بینی شده است؛ البته تشکیل پرونده شخصیت صرفاً برای کودکان و اطفال بزهکار نیست، بلکه تشکیل پرونده شخصیت یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی جدید در حقوق کیفری است و به بازگشت مجرم به اجتماع کمک می‌کند که در قوانین جزایی جدید نیز بدان اشاره شده است. به بیان دیگر، برای اتخاذ کیفر منصفانه و اصلاح مجرمان، مطالعه شخصیت مجرمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این شخصیت به تناسب تفاوت در روان، جسم و محیط پیرامون هر فرد متفاوت است.

ناگفته نماند که نظام دادرسی کشور ما در ارتباط با اهتمام برای تشکیل پرونده شخصیت و وضعیت مطلوب آن، فاصله زیادی وجود دارد. عوامل مختلفی مانع اعمال دقیق و تشکیل این پرونده بر مبنای شخصیت افراد است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. موانع قانونی از جمله عدم توجه قانون‌گذار به این نهاد مترقی حقوقی؛ ۲. موانع قضایی همچون ضعف آموزشی در دستگاه قضا؛ و ۳. موانع اجرایی همانند محدودیت در منابع مالی و زیرساخت‌ها» (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۸). تنها راه عبور از این چالش‌ها نیز تلاش و همیاری قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه و قضائیه) است تا با ایجاد بستر مناسب برای اعمال صحیح چنین تأسیسات حقوقی، اجرای یک دادرسی کیفری عادلانه و کارآمد را در جامعه امکان‌پذیر سازند. درباره پرونده شخصیت در سیستم قانونی و قضایی کشور و از منظر حقوق، کتاب‌های متعددی وجود دارد که عبارت‌اند از: کتاب پرونده شخصیت و

پیشگیری از بزهکاری نوشته عباس قرینی لبار، کتاب پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران، فرانسه و انگلستان اثر علی طالع‌زاری و حسینعلی ایزد، کتاب چگونگی تشکیل پرونده شخصیت در نظام حقوق کیفری ایران نوشته مینا لهونی، کتاب جایگاه پرونده شخصیت در حقوق ایران اثر ابوالقاسم صاحبی، کتاب پرونده شخصیت در فرایند کیفری ایران نوشته شهلا معظمی و محمد آشوری، کتاب پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار اثر پگاه قربانی زیردهی. همچنین در این باره مقالات ارزشمندی به رشته تحریر درآمده‌اند که بیشتر به جنبه حقوقی تشکیل پرونده شخصیت پرداخته‌اند؛ از جمله «لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران» نوشته سارا محمدیان و بابک محمدرضایپور، «آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران» اثر راضیه سبزه‌علی و جمعی از نویسندگان، «جایگاه پرونده شخصیت مجرم و نقش آن در کشف جرم» نوشته صابر امینی و جمعی از نویسندگان، «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در حقوق ایران و آمریکا» اثر لاله عاکفی و جمعی از نویسندگان، «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار» نوشته علی نجفی توانا، «نقش شخصیت بزهکار و روش برخورد تربیتی درخور با شخصیت مجرم از دیدگاه آموزه‌های اسلام» اثر محسن عباسی، «مطالعه تطبیقی ابعاد، الزامات و کارکردهای پرونده شخصیت در حقوق ایران با تکیه بر بنیادهای آن در فقه اسلامی» نوشته مریم سلیمانی و جمعی از نویسندگان، «نقد دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم» اثر مهرداد رایجیان اصلی، «موانع تشکیل پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران» اثر ابراهیم ابراهیمی و مقاله «تأثیر پرونده شخصیت در مرحله اجرایی».

باتوجه به آنچه از پیشینه تحقیق بیان شد، منابع و تحقیقات موجود بیشتر به لزوم و چگونگی تشکیل پرونده شخصیت، آثاری که بر تشکیل آن مترتب می‌شود و نیز جایگاه این پرونده در نظام حقوقی ایران و برخی از کشورها سخن به میان آورده‌اند؛ از این رو تحقیقی که به بررسی

فقهی پرونده شخصیت در سیستم قضایی اسلام و تبیین فقهی آن پرداخته باشد، یافت نشد؛ البته استاد ابوالقاسم علیدوست در «درس خارج فقه القضا» در سال ۱۳۹۹ به این مبحث پرداخته‌اند که ایده اصلی و اولیه این تحقیق نیز از بیانات ایشان گرفته شده است. بنابراین خلأ تحقیقی فقهی، روشمند و پویا، نویسندگان این پژوهش را واداشت تحقیقی جامع در تبیین فقهی پرونده شخصیت داشته باشند. پرسش اصلی پژوهش این است که پرونده شخصیت از نظر فقهی، از چه جایگاهی در سیستم قضایی اسلام برخوردار است؟ همچنین در این تحقیق به پرسش‌هایی فرعی از این قبیل نیز پاسخ داده می‌شود: ۱. ماهیت پرونده شخصیت، معنا و مفهوم آن چیست؟ ۲. از نظر قانون‌گذار، تشکیل پرونده شخصیت الزامی است یا حرکت تحسینی تکمیلی به شمار می‌رود؟ ۳. طبق قانون آیا بر قاضی دادگاه لازم است مفاد پرونده شخصیت را مدنظر قرار دهد و طبق آن حکم صادر کند؟ ۴. ضرورت و فواید پرونده شخصیت در بررسی پرونده‌های قضایی در سیستم قضایی ایران چیست؟ فرضیه‌ای که می‌توانیم ارائه داد این است که بنا بر ارتکازات اولیه، پرونده شخصیت در سیستم قضایی اسلام جایگاهی ندارد و با این عنوان نمی‌توانیم رهیافتی برای توجیه فقهی این پرونده داشته باشیم.

۱. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به اصل بحث، به تعریف و تبیین برخی از اصطلاحات در این تحقیق می‌پردازیم.

۱-۱. پرونده شخصیت

این پرونده که گاهی از آن با عنوان «پرونده وضعیت روحی متهم» هم یاد می‌شود، یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ است که در برخی از جرایم مهم، الزام بر تشکیل آن وجود دارد. این پرونده با توجه به شناخت ابعاد شخصیتی و وضعیت فردی،

خانوادگی و اجتماعی متهمان به‌ویژه اطفال و نوجوانان و کاربرد اطلاعات شخصیتی آنان در فرایند رسیدگی قضایی، اعم از تحقیقات مقدماتی، دادرسی، صدور و اجرای حکم و تأثیر آن بر اتخاذ تصمیمات قضایی و اجرای عدالت کیفری تشکیل می‌شود. پرونده شخصیت همراه با پرونده کیفری شخص تشکیل می‌شود و اطلاعاتی از وضعیت عمومی و خصوصی مجرم را دربر می‌گیرد (عابدینی و علوی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۱). بر اساس ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، مفاد و محتوای پرونده شخصیت متهم بدین ترتیب است: «الف) گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم؛ ب) گزارش پزشکی و روان‌پزشکی متهم».

۱-۲. پیشینه پرونده شخصیت در جهان

بحث از پرونده شخصیت و ابعاد گسترده آن از جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی جنایی شروع شد؛ درحقیقت جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان به این نتیجه رسیدند که باید برای هر متهمی افزون بر پرونده جرم او، پرونده دیگری هم درباره شخصیت او تشکیل شود. به لحاظ تاریخی می‌توان انتشار کتاب انسان بزهکار در سال ۱۸۷۶ میلادی به قلم لمبروسو (Lombroso) - استاد پزشکی قانونی در ایتالیا - را فصل جدیدی در توجه به شخصیت و حالات خطرناک شخص متهم در رویارویی با عمل ارتكابی او دانست (عاکفی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۷). بنابراین از همان آغاز و به دنبال اندیشه‌های لمبروسو، می‌توان سرشته‌ای را که منتهی به تشکیل پرونده شخصیت می‌شد، در ذهن ترسیم کرد. هم‌زمان و بعد از آن، دیگر هم‌فکران لمبروسو نیز به دنبال پرونده‌ای بودند که در آن ویژگی‌های اخلاقی و جسمانی مجرم در حد امکان جمع‌آوری شده باشد. پس نخستین بارقه‌های شناسایی شخصیت بزهکار (observation) یا همان اُبزرواسیون^۱ در مکتب فکری لمبروسو و همکارانش مطرح شد.

اندک اندک با تأکید بر شخصیت بزهکار و پافشاری بر اینکه هر بزهکار به لحاظ شخصیتش باید تحت رژیم کیفری خاصی قرار داده شود، عالمان حقوق کیفری را به این سمت سوق داد که باید در تعیین مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی، «اصل فردی کردن مجازات‌ها» رعایت گردد (سبزه‌علی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۸). درباره جبر و اختیار در بزهکاری از کهن‌ترین روزگاران اختلاف نظر وجود داشته است؛ عده‌ای قائل به اختیار تام بوده‌اند، گروهی معتقد به جبر تام بوده‌اند و گروه سوم ضمن رد هر دو نظریه قبل، به نقش مهم بزهکار در فرایند کیفری قائل هستند. طرفداران نظریه اخیر، ضمن تأکید بر بررسی شخصیت مجرم، تشکیل پرونده‌ای در کنار پرونده قضایی به نام «پرونده شناسایی شخصیت» را ضروری می‌دانند (محمدیان و محمدرضاپور، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳).

سرانجام سازمان ملل متحد سال ۱۹۵۱ میلادی، مجمع اروپایی بروکسل را تشکیل داد و پس از بررسی کامل، به دولت‌های عضو سازمان ملل توصیه کرد آزمایش‌های پزشکی، روان‌شناسی و اجتماعی متهمان را (که همان مفاد پرونده شخصیت متهم است) در قوانین خود بگنجانند (سبزه‌علی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۷۱). همچنین از آنجا که اصلاح مجرمان هدف غایی یا یکی از اهداف اصلی مجازات‌هاست، از باب وجوب تدارک مقدمات وصول به هدف پیش‌گفته، مستلزم شناخت شخصیت مجرم از طریق تشکیل پرونده شخصیت است؛ از این رو قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه همچنان به ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی وفادار مانده است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۹، ص ۲۴۰).

ذکر این نکته دارای اهمیت است در کشورهایی که کمتر با حدود و قوانین ثابت قضایی مواجه هستند، همچون نظام حقوقی کامن‌لا، اهمیت تشکیل این پرونده دوچندان می‌شود؛ زیرا در این نظام‌ها، دست قاضی برای صدور رأی و ترتیب اثردادن پرونده شخصیت، بیشتر باز است و در این قوانین به این دلیل که قانون معمولاً کمتر از قبل آماده شده است، قاضی می‌تواند پرونده شخصیت متهم را هم مد نظر قرار دهد.

۱-۳. پیشینه پرونده شخصیت در ایران

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شمسی، ضمن مواد ۲۰۳ و ۲۷۹ و ۲۸۶ به صراحت تشکیل پرونده شخصیت برای بزرگسالان و اطفال پیش‌بینی شده است. در ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها، ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید». بر اساس این قانون، حتی در مواردی که مجازات‌های متهم ثابت است و نیز در موارد دیه، تشکیل پرونده شخصیت متهم بلامانع است.

در بند (چ) از ماده ۲۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «یکی از مواردی که در کیفرخواست متهم ذکر می‌شود، خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم است». همچنین در ماده ۲۸۶ قانون آمده است: «در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است». بنا بر آنچه از ظاهر ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری به دست می‌آید، تشکیل پرونده شخصیت برای متهم لازم است. همچنین بنا بر ماده ۲۸۶ قانون، تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان الزامی است.

بنابراین از مفاد قانون‌گذار، لزوم تشکیل پرونده شخصیت به دست می‌آید؛ اما اینکه قاضی پرونده هم باید این موارد را مدنظر قرار دهد، پاسخی به آن در این قوانین داده نشده است. شاید بتوان پاسخ این پرسش را از ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی به دست آورد: «... دادگاه در صدور حکم تعزیری با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: الف) انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم؛ ب) شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن؛ پ) اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم؛ ت) سوابق

و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی». در این قانون به صراحت سخنی از پرونده شخصیت به میان نیامده است؛ اما از مفاد پرونده شخصیت صحبت به میان آمده و دادگاه هم در صدور حکم تعزیری، باید به مفاد آن توجه داشته باشد. بنابراین تشکیل پرونده شخصیت بر اساس نظر قانون‌گذار، بسیار جدی و لازم است و حرکتی تحسینی - تکمیلی به شمار نمی‌آید؛ همچنین قاضی دادگاه باید در موارد تعزیر، مفاد آن را مدنظر خود قرار دهد. در حالی که نتایج آماری و تحقیقات میدانی مربوط به ۹ ماه سال ۱۳۹۶ در ۲۰۰ پرونده دادرسی و محاکم کیفری (دادگاه‌های اطفال تهران و اجرای احکام کیفری دادرسی تهران) نشان‌دهنده وضعیت نامناسب برای پرونده شناسایی شخصیت اطفال و نوجوانان است (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۴).

۴-۱. سیستم قضایی اسلام

هنگامی که ممالک اروپایی در روزگار جهل و تاریکی خود را می‌گذراندند، نظام قضایی اسلام دارای مجموعه‌ای از احکام، قواعد، اصول مشخص و انسجام درونی منطقی بود؛ همچنین می‌توانست به نیازهای روز در عرصه تمدن جهانی پاسخ مقتضی را ارائه دهد. دین اسلام، مجموعه بزرگی از نظام‌های ارزشی است که قضاوت و دادرسی در آن نقش برجسته‌ای دارد. نگاهی به احوالات رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نشان می‌دهد اموری نظیر اهتمام به دادرسی و رسیدگی به تظلمات در دیدگاه آنان اهمیت بالایی داشته است (کلینی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۴۰۶). از آنجاکه شریعت الهی مبنای حقوق و نظام قضایی در اسلام است، قانون‌گذاران به‌ویژه پس از انقلاب برای تنظیم و سامان بخشی امور جامعه کوشیده‌اند از دیدگاه فقیهان بهره‌گیرند و همه قوانین را با فقه و شریعت برابر کنند؛ در حالی که گاه اصول و موادی در قانون می‌آید که ممکن است صرفاً برای سامان دادن به جامعه و نظم امور باشد و بدین معنا نیست که بعینه در فقه و شریعت هم همین اصل و ماده آمده باشد. یکی از همین مواد قانونی،

تشکیل پرونده شخصیت برای متهم است که همان‌گونه که اشاره شد، در قانون به آن اشاره شده است. اما در این نوشتار جایگاه این پرونده در سیستم قضایی اسلام بررسی می‌شود؛ منظور از سیستم قضایی اسلام، همان شریعت محمدی (ص) است که مسائل و احکامی در قرآن و روایات اهل بیت (ع) در باب قضا را دربر می‌گیرد.

۵-۱. عناوین تعزیرات، حدود، قصاص، دیه

برای فهم بیشتر و بهتر این عناوین باید تعریف این عناوین را در علم فقه و اصطلاح شرع بررسی کرد و از میان کتب فقهی و مواد قانونی به بررسی و تبیین این عناوین پرداخت.

۱-۵-۱. تعزیرات

«تعزیر» یکی از مجازات‌های پیش‌بینی شده در نظام عدالت کیفری ایران و نیز از مجازات‌های شرعی در سیستم قضایی اسلام است. گسترده‌ترین احکام کیفری اسلام را تعزیرات تشکیل می‌دهد؛ زیرا جرایم دارای حد و نیز جنایات بر نفس و اعضا که مشمول مجازات قصاص می‌گردد، محدود و اندک است. در مقابل، انواع بزهکاری‌ها که تحت عناوین جرایم فردی و اجتماعی به وقوع می‌پیوندد، در محدوده تعزیرات قرار می‌گیرد. تعزیر در اصطلاح فقهی، یعنی «کیفری که در شرع از حیث مقدار مشخص نیست و در مقابل حد است و در فقه بر کیفری اطلاق می‌شود که برخلاف حد، شارع مقدس اندازه‌ای برای آن تعیین نکرده است» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۵۴). در مسالک الافهام در تعریف تعزیر آمده است: «تعزیرات جمع تعزیر، در لغت به معنای ادب کردن و در اصطلاح شرع، عبارت از عقوبتی است که غالباً در اصل شرع برای آن اندازه‌ای معین نگردیده است» (شهید ثانی و محقق حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۳۲۵). در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی هم درباره تعریف تعزیر آمده است: «تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است؛ از قبیل حبس

و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد». عده‌ای از فقیهان با استناد به برخی احادیث (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۳۳۴) و آیات قرآن کریم (نساء: ۱۶)، مجازات‌های دیگری را نیز مصداق تعزیر دانسته‌اند؛ مانند توبیخ، تبعید، سختگیری در خوراک، تراشیدن موی سر، گرداندن در شهر، محروم کردن از اشتغال به شغل‌ها و مناصب خاص، سیاه کردن صورت و همچنین گرفتن اموال (علامه حلی، [بی تا]، ج ۵، ص ۴۱).

۱-۵-۲. حدود

«حدود» یکی از مجازات‌های اسلامی است که نقش مهمی در بازدارندگی جامعه از جرایم دارد؛ چراکه یکی از اهداف کیفرهای اسلامی، پاسداری از ارزش‌ها، تأدیب و اصلاح اخلاقی مجرم، نیاز اساسی مردم و حفظ مصالح آنها و به وجود آوردن جامعه‌ای سالم است. امام باقر (ع) درباره اجرای حدود در جامعه می‌فرماید: «اقامه حد بر روی زمین، برکتش از بارندگی چهل شبانه روز برتر است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۲). حدّ که جمع آن «حدود» است، در اصطلاح فقهی «به مجازات‌ها و عقوبت‌هایی گفته می‌شود که از جانب شارع مقدس با اندازه‌هایی معین برای جرایمی خاص مقدر شده است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۲). همچنین در ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی ایران، حدّ این گونه تعریف شده است: «به مجازاتی گفته می‌شود که نوع، میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است». حدود و میزان مجازات و کیفیت اجرا و ادله اثبات حدود در مواد ۶۳ تا ۲۰۳ این قانون بیان شده‌اند.

حدود بسته به نوع جرم، انواعی دارد: سنگسار (رجم) برای زنای مُحصَن یا مُحصَنه (مرد یا زن متأهل)، ۱۰۰ ضربه تازیانه برای زنای غیر مُحصَن یا غیر مُحصَنه، ۸۰ ضربه تازیانه (جَلْد) برای قَذف و شراب خواری، به دار آویختن (صَلب) برای محاربه و بریدن انگشتان دست به جرم سرقت و ... از موارد حدّ در شریعت اسلام هستند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۴۷۶). برخی از فقیهان جرایم مستوجب حدّ را تا شانزده مورد هم ذکر کرده‌اند (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۱، ص ۲۰۳).

۱-۵-۳. قصاص

حکم قصاص از احکام مسلم دین اسلام دانسته شده است که آیاتی از قرآن (بقره: ۱۷۹) و روایات معصومان (ع) (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۷۵) بر آن دلالت می‌کند. قصاص از نظر اصطلاح فقهی «به معنای تلافی و استیفای عینی جنایتی است که در قتل عمدی، قطع عضو و جرح عمدی بر (مُجَنِّی علیه) وارد شده است؛ به شکلی که اثر به جای مانده از جنایت عیناً روی جانی اجرا شده و به دست آید» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۷). قصاص در جنایت قتل عمدی را (قصاص نفس) گویند و قصاص در جنایات قطع عضو و جرح را (قصاص عضو) گویند. همچنین در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی، قصاص چنین تعریف شده است: «قصاص، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود». کتاب سوم قانون مجازات اسلامی ایران به «قصاص» اختصاص دارد و در ۹۰ ماده به جرایم و جنایات عمدی مستحق قصاص نفس و قصاص عضو می‌پردازد.

۱-۵-۴. دیه

دیه در کنار تعزیر، حد و قصاص، جزء چهار مجازات اصلی دین اسلام و قانون مجازات اسلامی ایران است. در اصطلاح فقه «دیه، مالی است که پرداخت آن به سبب قتل و یا جنایت بر نفس و یا عضو، بر عهده شخص جانی می‌باشد و باید آن را به مُجَنِّی علیه و یا وَلِیِّ او آدا کند» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۷). در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی آمده است: «دیه اعم از مقدّر و غیرمقدّر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود».

۲. ضرورت و فایده پرونده شخصیت در بررسی پرونده‌های قضایی در سیستم قانونی

و قضایی ایران

یکی از جنبه‌های مؤثر و مطرح در ارتباط با روان آدمی، شخصیت اوست. عاملی که داعیه‌دار بسیاری از رفتارهای انسان است که باید در برابر هر کنشی، واکنشی مناسب بیابد و توجیهی دقیق ارائه دهد. یکی از مهم‌ترین وظایف جرم‌شناسی بالینی، تعیین راه‌های معالجه بزهکار بر مبنای ویژگی‌های جسمی، روانی و درجه ابتلای او به ناهنجاری‌های اجتماعی است (سبزه‌علی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۷۱). بر همین اساس، جرم‌شناسان در جرم‌شناسی بالینی از طریق تشکیل پرونده شخصیت، سعی در شناخت علل بزهکاری در شخص و انطباق با شخصیت وی دارند. بنابراین ضرورت تشکیل این پرونده بدان دلیل است که قاضی دادگاه می‌تواند با مطالعه و بررسی آن، اشراف کافی به وضعیت متهم تحت پیگرد پیدا کند و با فردی سازی تصمیم‌های خود، واکنشی متناسب با شخصیت او اتخاذ کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۵۱). همچنین شناسایی شخصیت اطفال بزهکار، تأثیر بسزایی در فردی کردن مجازات، شناخت علل جرم‌آفرین و جامعه‌پذیری مجرم پس از تحمل مجازات دارد. پس بیشترین فواید تشکیل این پرونده مربوط به زمان محاکمه و دادرسی است که به دنبال آن موجب اعتمادسازی مردم به دستگاه قضایی می‌شود (سلیمانی و حجاریان، ۱۳۹۶، ص ۲۳۲). از جمله آثار مثبت تشکیل پرونده شخصیت، امکان پیشگیری از بروز رفتارهای ضداجتماعی در آینده است؛ زیرا از یک سو، این پرونده زمینه شناسایی دقیق ویژگی‌های روانی، خانوادگی و اجتماعی بزهکار را فراهم می‌آورد؛ از سوی دیگر، با توجه به این شناخت، امکان ارزیابی تقریبی از رفتارهای احتمالی وی در آینده را فراهم می‌کند.

بنابراین تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده کیفری، امری ضروری و لازم در بررسی پرونده‌های قضایی در سیستم قانونی و قضایی ایران است و به قاضی پرونده این اجازه را می‌دهد تا با

توجه به شخصیت مجرمانه متهم، برای کمک به نوع مجازات، موضوع و مصداق جرم و شیوه اجرای آن وی را در این امر کمک دهد. البته برخی با وجود ضرورت و فوایدی که برای این پرونده وجود دارد، با اصل دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت مخالفت کرده‌اند و در نقد آن بیان داشته‌اند: «در جرم‌شناسی معاصر، برخلاف جرم‌شناسی اثباتی سده نوزدهم، اتخاذ هرگونه اقدام و تدبیر بازدارنده یا پیش‌گیرنده درباره افراد دارای حالت خطرناک را موکول به ارتکاب جرم می‌داند...؛ با این وجود جای این پرسش همچنان باقی می‌ماند که چگونه می‌توان برای متهمی که هنوز جرمش اثبات نشده است و از نظر جرم‌شناسی، بزهدار دارای حالت خطرناک شناخته نمی‌شود، پرونده شخصیت تشکیل داد؟» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، ص ۲۸).

در مجموع می‌توان گفت وجود پرونده شخصیت در کنار پرونده قضایی، به منظور تحقق یک قضاوت عادلانه است و پرونده شخصیت می‌تواند جایگاه خود را به مثابه ابزار مدرن‌سازی دستگاه عدالت کیفری پیدا کند.

۳. جایگاه فقهی پرونده شخصیت در سیستم قضایی اسلام

هدف شریعت از نظام کیفری، بازدارندگی از وقوع جرم، حمایت از مصالح فردی و منافع عمومی، اصلاح و بازپروری و در یک کلام «تحقق عدالت و امنیت فردی و اجتماعی» است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۷۵). یکی از حقوقدانان مسلمان در این باره می‌نویسد: «هدف از مجازات‌ها در اسلام، اصلاح نفوس و تهذیب آنها و تلاش در جانب سعادت جوامع بشری است، نه تعذیب آنها» (سلتوت، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸). از نظر اسلام همان‌گونه که عمل مجرم و گناهکار حرام و ممنوع است، تعدی بر حقوق او نیز حرام و ممنوع است؛ از این رو هر کسی از حدود الهی تجاوز کند، مستحق مجازات است.

در این مبحث باید چند نکته مشخص شود؛ اول: آیا در سیستم قضایی اسلام اشاره‌ای به تشکیل پرونده شخصیت شده است یا خیر؟ دوم: آیا تشکیل پرونده شخصیت به همان

معنای حقوقی و کیفری آن از نظر فقهی و شرعی، در صدور حکم از سوی قاضی پرونده، جایگاه و اثری دارد یا اساساً تشکیل آن لغو است؟ به عبارتی دیگر، در سیستم قضایی اسلام که اصولاً قصاص و حدود و دیات آن ثابت است و فقط تعزیرات آن متغیر است (تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۴۷)، آیا پرونده شخصیت، ثمره‌ای دارد یا خیر؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت اساساً در فقه، فلسفه‌ای برای تشکیل پرونده شخصیت نمی‌توانیم بیابیم؛ به این معنا که قاضی پرونده بگوید من قضاوت نمی‌کنم تا پرونده شخصیت متهم تشکیل شود و نزد من آورده شود (علیدوست، ۱۳۹۹، ص ۳۱۱)؛ زیرا وقتی جرم متهم محرز شده باشد و قاضی پرونده هم اطلاع کافی از پرونده او داشته باشد، همه چیز برای حکم قاضی دادگاه فراهم است و نمی‌توان حکم قاضی دادگاه را معطل نگاه داشت.

در پاسخ به پرسش دوم برای بررسی زوایای گوناگون بحث، می‌توان در دو حیطه این مسئله را بررسی کرد: ۱. در تعزیرات: از نظر فقهی در تعزیرات، نه تنها تشکیل این پرونده مفید است، بلکه لازم نیز می‌باشد؛ به این معنا که لفظ تعزیر در لسان شارع، هر چند به معنای اخص استعمال شده است (حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۱۷)، ممکن است ادله دیگری دال بر سعه اختیارات قاضی در مجازات مجرمان وجود داشته باشد؛ از جمله ادله‌ای که بدان استناد کرده‌اند، قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» است. البته اصل این قاعده در روایات ذکر نشده است و در کتب فقهی هم به بیان‌های مختلفی مثل «التعزیر بما یراه الحاکم» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۱۶۹) و «یُعزَّر بما یراه الامام أو خليفته المنصوب لذلك فی الناس» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷۶) و نظایر اینها بیان شده است. بنابراین اینکه تعزیر به ید حاکم، امام یا خلیفه امام است، یعنی کمیت و کیفیت تعزیر، آن چیزی است که این افراد صلاح دیده‌اند.

در این موضوع ذکر دو نکته دارای اهمیت است:

۱. اگر منظور از حاکم یا خلیفه امام، «قاضی» باشد، قانونی کردن پرونده شخصیت و اجباری کردن آن در قانون مجازات اسلامی معنا ندارد؛ زیرا خود قاضی باید تصمیم بگیرد؛

پس قاضی می‌تواند اساساً پرونده شخصیت متهم را در روند اصدار حکم خودش دخالت ندهد. اما باید به این نکته هم دقت داشت که حتی در همین حالت هم قاضی نباید به تشکیل پرونده شخصیت متهم بی تفاوت باشد؛ زیرا درست است که تعزیر به دست قاضی است، اما به دلخواه قاضی نیست؛ چراکه گاه حتی ۴۰ ضربه شلاق برای یک نوجوان با شرایط خاصی که او داشته است، مثلاً پدر و مادر او معتاد یا دزد بوده‌اند، ممکن است که شارع مقدس را به غضب آورد؛ از این رو قاضی باید رعایت مصالح و مفسد را داشته باشد. اما اگر حاکم یا خلیفه امام یعنی «والی» و «حاکم اسلامی»، تشکیل پرونده شخصیت می‌تواند وجهه قانونی به خود بگیرد؛ زیرا والی می‌تواند الزام در تشکیل آن را در قانون قرار دهد و قاضی هم باید آن پرونده را مدنظر داشته باشد.

۲. در قواعدی که ذکر شد، تعبیر به «رؤیت» و «دیدن» شده است که نشان دهنده شناخت کامل و بصیرت کامل است. حاکم باید در تعزیر ببیند چه چیزی و چه مجازاتی به مصلحت مجرم و جامعه است تا همان را برگزیند. شاید در برخی از موارد تعزیر، اقتضای حال مجرم این باشد که حاکم با برخوردی گرم و با محبت از خطای مجرم بگذرد تا مجرمی که عقده در برابر به جامعه و نظام پیدا کرده است را جذب جامعه و نظام کند؛ گاه اقتضای حال مجرم این است که مجازاتی سخت بر مجرم تحمیل گردد. بنابراین شدت یا سبکی در اعمال مجازات باید با بصیرت کامل باشد که از آن به «رؤیت» و «دیدن» تعبیر کرده‌اند. حاکم باید از همه ابزارهای موجود که می‌تواند او را در رسیدن به این هدف رهنمون سازد، بهره گیرد؛ مانند استفاده از متخصصان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و... که از آن به «پرونده شخصیت» تعبیر می‌کنیم. بنابراین لزوم تشکیل پرونده شخصیت در موارد تعزیر و مدنظر قراردادن آن بنا بر قضا و فقه اسلامی، کاملاً آشکار و توجیه‌شدنی است. به عبارتی دیگر، برای تشخیص مصداق صحیح تعزیر یا موضوع شناسی آن برای قاضی، تشکیل پرونده شخصیت لازم به نظر می‌رسد. در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی بعد از تعریف تعزیر، به همین نکات اشاره می‌شود و بیان می‌دارد:

«نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد: الف) انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی او حین ارتکاب جرم؛ ب) شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن؛ پ) اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم؛ ت) سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی».

۴. در قصاص، حدود و دیات

با توجه به آنچه در تعریف این سه واژه در مبحث اول گذشت و با توجه به آنکه اصولاً قصاص، حدود و دیات در سیستم قضایی اسلام ثابت است، لزوم تشکیل چنین پرونده ای در این امور توجیه پذیر نیست؛ مگر جایی که دنبال کردن وضعیت متهم برای ایجاد شک در اجتماع ارکان جرم مقتضی مجازات یا به عبارتی، تشخیص موضوع و مصداق جرم باشد. البته در برخی از موارد مثل باب حدود نیز هرچند مجازات ها مقدر و تعبدی است و شخصیت مرتکب در اصل ثبوت حد، نقشی ندارد، از آنجاکه در فقه اسلامی، قاعده «دره الحدود بالشبهات» حاکم است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۸) و شارع در مقام اجرای حدود، جانب احتیاط را بر تغلیظ کیفر مقدم داشته است، توجه به اوضاع و احوال فردی و اجتماعی متهم می تواند در کشف یا تحقق شبهه موضوعیه برای قاضی پرونده مؤثر واقع شود؛ در نتیجه زمینه سقوط حد را فراهم آورد، نه از باب دخالت پرونده شخصیت آن فرد در میزان مجازات او، بلکه از حیث احراز یا عدم احراز شرایط تحقق موضوع حد.

در مورد دیات نیز چون جنبه مدنی دارد و ربط به دیگران پیدا می کند، باید کمی احتیاط کرد و پرونده شخصیت را یا اصلاً دخالت ندهیم یا کمتر دخالت دهیم. توضیح آن که وقتی شخصی یک نفر را به قتل می رساند یا سرقتی انجام می دهد یا عمل منافی عفت مرتکب می شود، اینکه فقیر بوده است یا نه، در چه خانواده ای بزرگ شده است و ...،

نمی‌تواند دخالتی در حکم و صدور رأی قاضی داشته باشد و قاضی پرونده رأی خود را از حیث قصاص یا قطع عضو یا اعدام بیان می‌دارد. اما گاهی ممکن است قاضی دادگاه در تشخیص مصداق جرم و با مطالعه پرونده شخصیت متهم، به این نتیجه برسد که او حین ارتکاب جرم، رُشد کافی نداشته است که در این حالت، رأی قاضی تحت تأثیر پرونده شخصیت قرار می‌گیرد و روند پرونده کیفری متهم را تغییر می‌دهد.

شاید بتوانیم این نکته که «گاهی ممکن است قاضی در اجتماع ارکان جرم مقتضای مجازات شک کند» را از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی به دست آوریم؛ چراکه در این قانون آمده است: «در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند». پرواضح است که دانستن اینکه متهم از ماهیت جرم یا حرمت آن آگاهی نداشته یا رشد و کمال عقل نداشته است، از طریق مطالعه پرونده شخصیت برای قاضی فراهم می‌گردد.

پرسشی که در قسمت پایانی مقاله به ذهن می‌رسد و با توجه به آنچه بیان شد، باید پاسخ داده شود این است که با توضیحاتی که از سیستم قضایی اسلام درباره تشکیل پرونده شخصیت و تأثیر آن در حکم قاضی دادگاه داده شد و با توجه به لزوم تشکیل پرونده شخصیت در قانون مجازات اسلامی، چه تفاوتی میان سیستم قضایی اسلام با قانون مجازات اسلامی در کشور در برابر این پرونده وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: ۱. با توجه به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی و ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، فایده‌های تشکیل پرونده شخصیت، اختصاص به تعزیر داده نشده است؛ حتی در حدود، قصاص و دیات هم این پرونده باید تشکیل شود، برخلاف شرع مقدس که تشکیل این پرونده بیشتر در باب تعزیرات است؛ چراکه تعزیر به دست حاکم است و تشکیل این پرونده، اثر

دارد. ۲. در قانون آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی، اصل تشکیل پرونده شخصیت موضوعیت دارد و لازم است تشکیل شود؛ گرچه در نهایت تأثیری در حکم قاضی دادگاه نداشته باشد، برخلاف سیستم قضایی اسلام که تشکیل پرونده شخصیت، عنوان مستقلی نیست تا تشکیل آن واجب باشد. در سیستم قضایی اسلام، آنچه اهمیت دارد، واقع و حقیقت است که قاضی باید به عدل و داد حکم کند؛ در این راستا از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کند که یکی از آنها می‌تواند پرونده شخصیت باشد؛ برای مثال قاضی پرونده در تعزیرات باید به اموری چون وضع مادی، خانوادگی، روانی و... حتی امور مشابه آن مثل رابطه با همسر، بستگان درجه ۱ و ۲ و... توجه کافی داشته باشد، البته نه اینکه این موارد حتماً در حکم او تأثیر بگذارد و قاضی نیز تأثیر بپذیرد، بلکه قاضی باید مدنظر قرار دهد تا اگر امکان داشت که حکم او تغییر یابد، این امر اتفاق بیفتد و تغییر کند.

نتیجه

پرونده شخصیت با توجه به شناخت ابعاد شخصیتی و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی متهم و کاربرد اطلاعات شخصیتی آنان در فرایند رسیدگی قضایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ضرورت تشکیل این پرونده به این دلیل است که قاضی می‌تواند با مطالعه و بررسی آن، اشرافی کافی از وضعیت متهم بیابد و واکنشی متناسب با شخصیت او اتخاذ کند. با توجه به آنچه در مبحث سوم این مقاله گذشت، روشن می‌شود که تشکیل پرونده شخصیت در سیستم قضایی اسلام، عنوان مستقلی نیست تا تشکیل آن از منظر فقه و قواعد آن واجب باشد؛ اما با نگاهی به ماهیت تعزیرات در اسلام و اینکه نوع و مقدار تعزیر به دست حاکم است، تشکیل پرونده شخصیت و نگاه قاضی به آن و مدنظر قرار دادن آن امری لازم و ضروری است.

در حدود و قصاص که اصولاً ثابت و غیرمتغیر هستند، ثمره تشکیل چنین پرونده‌ای کمتر به نظر می‌رسد؛ با این وجود، تشکیل این پرونده و مدنظر قرار گرفتن آن از سوی قاضی دادگاه، می‌تواند برای ایجاد شک در اجتماعِ ارکانِ جرمِ مقتضی مجازات یا به عبارتی تشخیص موضوع و مصداقِ جرمِ مَثْمَر باشد. در دیات هم از این باب که جنبه مدنی دارند و به دیگران ربط پیدا می‌کند، باید کمی احتیاط کرد و پرونده شخصیت را یا اصلاً دخالت نداد یا کمتر دخالت داد.

با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد از آنجاکه قاضی پرونده از نظر فقهی باید برخی از امور را (که در واقع همان مفاد پرونده شخصیت است) در حکم خود مدنظر قرار دهد، قانون‌گذار این خلأ را درک کرده است و بستری آماده پیش‌روی قاضی قرار داده است و تشکیل آن را به لحاظ قانونی لازم می‌داند. گرچه تشکیل چنین پرونده‌ای از نظر فقهی واجب نیست، بر قاضی لازم است که محتویات و مفاد پرونده را (گرچه اساساً پرونده‌ای هم تشکیل نشده باشد) به‌ویژه در امور تعزیری مدنظر قرار دهد.

در نهایت پیشنهاد می‌شود پژوهشگرانی قصد دنبال کردن این بحث را دارند، به ذکر مواردی بپردازند که امامان معصوم (ع) در تعزیر شخص، ویژگی‌های فردی و خانوادگی و روحی او را مدنظر قرار داده‌اند و تحقیق جامعی در این باره ارائه دهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مجموعه تحقیقات و بررسی‌ها و آزمایش‌هایی که برای شناخت شخصیت بزهکاران و تشکیل پرونده شخصیت به کار می‌رود، «ابرواسیون» نامیده می‌شود.
۲. معمولاً در کشورها دو نوع سیستم حقوقی وجود دارد: ۱. در برخی کشورها در زمینه حقوقی، قوانین زیادی دارند و قضات هم طبق همین قوانین ثبت شده و موضوعه قضاوت می‌کنند. ۲. اما برخی از کشورها بر اساس رویه قضایی گذشتگان و عرف قضایی، حکم می‌کنند که اینها را «نظام حقوقی کامن‌لا» گویند (ر.ک: جبار گلباغی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵).

منابع

قرآن کریم

ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۹۰). «موانع تشکیل پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران». مجله مطالعات پیشگیری از جرم. ش ۱۸.

بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ ق). القواعد الفقهیه. قم: الهادی.

پله پور، کیومرث (۱۳۹۷ ق). تشکیل پرونده شخصیت متهم و کارآمدی آن در نظام حقوقی ایران. [بی جا]: جوان.

تبریزی، جواد (۱۴۱۷ ق). أسس الحدود و التعزیرات. قم: دفتر مؤلف.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۳). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵). «بررسی فقهی و حقوقی امکان سنجی الغای مجازات حبس در جرایم علیه کیان خانواده». فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی. ش ۵. ص ۶۹ - ۸۹.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.

حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳ ق). الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین (ع). طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). تهذیب الأحکام. تحقیق: حسن خراسان. چ ۴. تهران: دارالکتب الإسلامية.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ ق). مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی.

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). «نقد دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم». کانون وکلا. ش ۲۴۲.

سلیمانی رضا و محمد حسین حجاریان (۱۳۹۶). «پرونده شخصیت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوبه ۱۳۹۲». مطالعات حقوق. ش ۱۱.

سبزه علی، راضیه و همکاران (۱۳۹۷). «آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران». حقوقی دادگستری. دوره ۱۰۴. ش ۸۲. ص ۶۷ - ۹۴.

شلتوت، محمود (۱۳۸۲). تفسیر قرآن کریم. ترجمه محمد حسین عطائی. مشهد: به نشر.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی و جعفر بن حسن محقق حلی (۱۴۱۳ ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- عابدینی، غلامرضا و سیدمحمدتقی علوی (۱۳۹۵). «بررسی محتویات پرونده شخصیت اطفال و نوجوانان در حقوق ایران». نشریه حقوق جزا و سیاست جنایی. ش ۳. ص ۹۷ - ۱۱۹.
- عاکفی، لاله و همکاران (۱۳۹۹). «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار از دیدگاه زنان کارشناس». فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه. ش ۴. ص ۱۱۷ - ۱۳۹.
- علامه حلی، حسن بن یوسف [بی تا]. تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع). علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۹). فقه القضا. قم: شخصی.
- کلینی، محمد بن یعقوب [بی تا]. الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. چ ۲. قم: اسماعیلیان.
- محمدیان، سارا و بابک محمدرضاپور (۱۳۹۲). «مروری: لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران». پزشکی قانونی ایران. دوره ۶۸ - ۶۹. ش ۱۹. ص ۴۰ - ۳۲۹.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). المقنعه. چ ۱. قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ ق). بحوث فقهية. چ ۱. قم: مدرسة الإمام علی بن ابی طالب (ع).
- مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۸۹). «پرونده شخصیت متهمان و ضرورت تشکیل آن در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری». فصلنامه پژوهش حقوق. ش ۳۰.
- جبار گلباغی، سیدعلی (۱۳۷۸). درآمدی بر عرف. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.